

بود. بیشتر با کارگردانی کار می‌کردم که فیلم اولشان را می‌ساختند؛ چرا که می‌توانستم از تجربیاتم به آنها کمک کنم و در زمینه‌های فنی مانند دکوپاژ و میزانشن، تجربیات خود را در اختیارشان بگذارم. همکاری با کارگردانان جوان برایم جذابیت بیشتری داشت.

آیا در زمینه انتخاب بازیگران هم به کارگردان‌ها مشورت می‌دادید؟

بله، زمانی که فیلمنامه را می‌خواندم، برای هر نقش دو یا سه بازیگر را به کارگردان پیشنهاد می‌دادم و او از میان این گزینه‌ها انتخاب نهایی را انجام می‌داد.

با توجه به نبود تلفن همراه و اینکه بسیاری از مردم حتی در منزل هم تلفن نداشتند، آفیش کردن بازیگران در آن سال‌ها کار دشواری نبود؟

کار سختی بود، اما هنگام برنامه‌ریزی و تنظیم جدول تولید در دفتر فیلم، روزها و ساعت‌های حضور بازیگران مشخص می‌شد. اگر تغییری پیش می‌آمد، معمولاً روز قبل و هنگام فیلمبرداری اطلاع داده می‌شد. آن زمان خیلی مرسوم نبود که خودرو برای بازیگر به منزل او برود؛ بازیگران معمولاً خودشان در زمان مقرر سر صحنه حاضر می‌شدند.

کار کردن با کدام کارگردان برایتان جذاب‌تر و آموزنده‌تر بود؟

حضور در فیلم‌ها به دو بخش علاقه کاری و مسائل مالی مربوط می‌شد و طبیعتاً کارگردانی را می‌پذیرفتم که به‌عنوان دستیار او فعالیت می‌کردم. از همکاری با کامران شیردل بسیار آموختم. کار با خسرو پرویزی نیز برایم دستاوردهای زیادی داشت. از پرویز نوری هم آموختم و در عین حال تجربیات خودم را در اختیار او گذاشتم.

با کارگردان‌هایی هم همکاری داشتم که تجربه و دانش کافی در برخی تکنیک‌های کارگردانی نداشتند و تهیه‌کننده به هر دلیلی سرمایه ساخت فیلم را فراهم کرده بود. در چنین شرایطی تلاش می‌کردم به آن‌ها کمک کنم. به نظرم یکی از وظایف یک دستیار کارگردان حرفه‌ای و باتجربه، کمک به کارگردان در چنین موقعیت‌هایی است.

«صبح روز چهارم» یکی از فیلم‌های مطرح موج نوی سینمای ایران است. همکاری با کامران شیردل در این فیلم چه تجربه‌ای برای شما داشت؟

کامران شیردل کارش را به‌خوبی بلد بود و چون نخستین فیلم بلندش را می‌ساخت، هنگام کار وسواس و دقت زیادی داشت. بعدها که خودم کارگردان شدم، متوجه شدم این میزان دقت و وسواس در کارگردانی طبیعی است. به دلیل همین دقت شیردل، فیلمبرداری «صبح روز چهارم» طولانی شد و نزدیک به ۵۰ جلسه فیلمبرداری داشتیم.

آیا در انتخاب لوکیشن‌ها هم به کارگردان‌ها پیشنهاد می‌دادید؟

بله، به‌تدریج که تجربه‌ام بیشتر شد و شناخت بهتری از نیازهای کارگردان و فضای فیلمنامه پیدا کردم، پیشنهادهایی برای انتخاب لوکیشن ارائه می‌دادم که معمولاً مورد قبول کارگردان قرار می‌گرفت.

چگونه شرایط ساخت نخستین فیلمتان، «امشب اشکی می‌ریزد»، فراهم شد؟

اوایل سال ۱۳۵۵ رمان «امشب اشکی می‌ریزد» نوشته کورس بابایی را خواندم. این رمان به‌صورت پاورقی، پنجشنبه‌ها در روزنامه کیهان منتشر می‌شد و خود بابایی نیز کارمند کیهان بود. رمان‌های او در آن سال‌ها مخاطبان زیادی داشت.

بعد از خواندن این اثر به آن علاقه‌مند شدم و در ذهنم نگه داشتم که اگر روزی شرایط ساخت فیلم فراهم شد، از این رمان استفاده کنم. سال بعد، زمانی که مقدمات ساخت نخستین فیلمم فراهم شد، نزد نویسنده رفتم و حق تبدیل اثر به فیلم‌نامه را خریداری کردم.

به چه مبلغی خریداری کردید؟

مبلغ زیادی نبود و بیشتر در حد یک هدیه بود. همراه با دوستم امیر قویدل به شمال رفتیم و در مدتی فیلم‌نامه‌ای بر اساس این رمان نوشتیم. دوستم اصغر بیچاره با پرویز حجازی، تهیه‌کننده فیلم، ارتباط داشت و از او خواستم جلسه‌ای با حجازی ترتیب دهد. پس از آن جلسه، پرویز حجازی تهیه فیلم را برعهده گرفت و فیلمبرداری را اوایل سال ۱۳۵۶ شروع کردیم.

نام‌های مطرحی مانند فرامرز قریبیان، آیلین و فرامرز صدیقی در این فیلم بازی دارند. درباره انتخاب بازیگران ترکیب آنها بگویید؟

تلاش کردم ترکیب بازیگران فیلم هماهنگ، مناسب و درست باشد. همه بازیگران، انتخاب‌های اول من برای نقش‌هایشان بودند و فکر می‌کنم این ترکیب به فضای فیلم کمک کرد.

چرا از بازیگران ستاره‌ای مانند بهروز وثوقی و چهره‌های مطرح آن زمان استفاده نکردید؟

فرامرز قریبیان بعد از درخشش در فیلم «گوزن‌ها» و مسعود کیمیایی، بازیگر شناخته‌شده و مطرحی بود و «امشب اشکی می‌ریزد» نخستین نقش اول سینمایی او به شمار می‌رفت. آیلین ویگن نیز پیش از این در چند فیلم امیر دلجو بازی کرده بود و میان جوان‌ها چهره‌ای شناخته‌شده و محبوب بود.

فرامرز صدیقی را هم پس از درخشش در فیلم «برهنه تا ظهر با سرعت» ساخته خسرو هری‌تاش انتخاب کردم؛ بازیگری خوش چهره و بااستعداد بود. در شکل‌گیری و ساخته شدن «امشب اشکی می‌ریزد» نیز اصغر بیچاره کمک‌های زیادی به من کرد.

زمان اکران فیلم «امشب اشکی می‌ریزد» چگونه بود و چه استقبالی از آن شد؟

پس از آماده شدن فیلم، هم‌زمان با وقوع جریان‌های انقلاب، شرایط اکران تغییر کرد، اما فیلم روی پرده رفت و به دلیل فضای عاشقانه و ارتباطی که با مخاطب برقرار کرد، با استقبال خوبی روبه‌رو شد. کتاب «امشب اشکی می‌ریزد» نیز بیش از بیست‌وچند بار تجدید چاپ شده بود و مردم هم رمان و هم فیلم را دوست داشتند.

فیلم بعدی شما «تشکیلات» بود که پس از چند سال وقفه ساخته شد. شرایط ساخت این فیلم چگونه فراهم شد؟

پس از پیروزی انقلاب، روزی در دفتر فریدون ژورک بودیم و مهدی فخیم‌زاده و کامران قدکچیان هم حضور داشتند. با ژورک صحبت کردیم که فیلم خارجی «سگ» را از او خریداری کنیم. سپس همراه با فخیم‌زاده و قدکچیان، شرکت فیلمسازی فیلم ایران را تأسیس کردیم.

این فیلم در اکران موفقیت مالی خوبی برای ما داشت و با سود حاصل از آن، چندین فیلم دیگر نیز ساخته شد.

«تشکیلات» را در شرکت فیلم ایران ساختید؟ نه، تهیه‌کننده فیلم عبدالله علیخانی بود. سیناپس اولیه «تشکیلات» را فریدون ژورک نوشته بود. تلاش کردیم فیلم با حضور عوامل حرفه‌ای و درجه‌یک ساخته شود.

برخی به من نقد می‌کردند که چرا نقش اول فیلم را به مجید مظفری داده‌ام یا برای یکی از نقش‌های دوم از مظفر مقدم استفاده کرده‌ام، اما مظفری نقش مأمور وظیفه‌شناس را به‌خوبی و شایستگی ایفا کرد و بازی او یکی از نقاط قوت فیلم بود. دیگر بازیگران مانند سیاوش طهمورث و افسانه باگیان نیز در نقش‌هایشان درست و باورپذیر ظاهر شدند. در جریان ساخت فیلم احساس کردم «تشکیلات» اثر موفقی خواهد شد.

«مکافات» فیلم بعدی شما در گیشه چندان موفق نبود. دلیل این اتفاق چه بود؟

به نظرم دلیل اصلی، انتخاب نامناسب فیلم‌نامه بود. در آن زمان شرایط فیلمسازی با امروز متفاوت بود و فیلمساز را برای ساخت فیلم استخدام می‌کردند. فیلم‌نامه نیز باید براساس الگوها و ضوابط ارشاد و قارایی نوشته می‌شد.

فیلمسازی شغل من بود و اگر ساخت «مکافات» را قبول نمی‌کردم، شخص دیگری آن را می‌ساخت. به همین دلیل این پروژه را پذیرفتم.

آیا فیلم «آخرین خون» را براساس الگوی فیلم‌های اکشن که جمشید هاشم‌پور در آن‌ها بازی می‌کرد، ساختید؟

در آن سال‌ها فیلم‌های اکشن و پر حادثه‌ای ساخته می‌شد که جمشید هاشم‌پور محور بسیاری از آن‌ها بود. «آخرین خون» نیز در همین فضای سینمایی ساخته شد و خوشبختانه مورد استقبال مردم قرار گرفت. علاوه بر دستمزدی که بابت کارگردانی دریافت کردم، در سود فیلم هم شریک بودم.

زوج جمشید هاشم‌پور و فرامرز قریبیان در «آخرین خون» ترکیب موفقی از کار درآمد. درباره همکاری با این دو بازیگر بگویید؟

ترکیب این دو بازیگر موفق بود و هر دو از بازیگران حرفه‌ای و توانمند سینما بودند. فرامرز قریبیان بسیار محترم و جنتل‌من است. چون کارم را به‌عنوان کارگردان می‌دانم و اتوریتته حرفه‌ای دارم، هیچ‌گاه در هدایت بازیگران بزرگ دچار چالش نشدم. بسیاری از بازیگران زمانی که ضعف کارگردان را احساس کنند، در روند کار دخالت‌هایی می‌کنند، اما وقتی کارگردان شناخت و تسلط کافی داشته باشد، همکاری به شکل حرفه‌ای پیش می‌رود.

آیا در طول دوران کاری‌تان با بازیگری دچار چالش شدید؟

هیچ‌وقت با بازیگران حرفه‌ای دچار چالش نشدم. بارها پیش آمد که تهیه‌کننده‌ای اصرار داشت بازیگری در فیلم حضور داشته باشد، اما من به دلیل شناختی که از سابقه و توانایی او داشتم، مخالفت می‌کردم و پای انتخاب خودم ایستادم.

آیا در طول دوران کاری‌تان با تهیه‌کننده‌ها دچار

مشکل شدید؟

وقتی تهیه‌کننده‌ای دستمزد عوامل را به موقع پرداخت کند و به تعهداتش در کار پایبند باشد، دلیلی ندارد که با او دچار مشکل شوم. بیشتر فیلم‌هایی که در حین تولید با بحران مواجه می‌شوند، دلیل اصلی‌شان مشکلات مالی و پرداخت نشدن به‌موقع مطالبات عوامل است.

«ازدواج صوتی» را با بازیگر جوان و سوپرستاری مانند بهرام رادان ساختید. کار با نسل جوان چگونه بود؟

به هر حال بهرام رادان در آن سال‌ها تازه فعالیت حرفه‌ای خود را آغاز کرده بود و هنوز به پختگی و تجربه بازیگرانی مانند فرامرز قریبیان نرسیده بود، اما توانست نقش خود را به‌درستی ایفا کند و بازی قابل قبولی در فیلم ارائه دهد.

«دنیا» از فیلم‌های مطرح دهه ۷۰ با بازی جذاب محمدرضا شریفی‌نیا در نقش یک حاجی‌بازاری چندزنه بود که از فیلم‌های پرفروش آن دوران شد. درباره این فیلم بگویید؟

«دنیا» نه‌تنها یکی از فیلم‌های خوب کارنامه من است، بلکه از آثار پرمخاطب و مورد توجه پس از انقلاب نیز به شمار می‌رود. فیلمی پرتحرک و پویا با همراهی یک داستان عاشقانه جذاب بود.

در این فیلم به پیچیدگی‌های روابط میان زن و مرد و همچنین روابط زوج‌ها پرداختم. در «دنیا» تلاش کردم نشان بدهم اعضای یک خانواده منسجم با هویت ایرانی چگونه باید در کنار یکدیگر زندگی کنند تا بنیان خانواده مستحکم باقی‌ماند.

در «دنیا» بازیگر نقش اصلی زن هدیه تهرانی است. چگونه او را برای این نقش انتخاب کردید؟

هدیه تهرانی انتخاب اول من برای این نقش بود. بچه‌های تولید با او تماس گرفتند و او به دفتر آمد. درباره نقش، فیلمنامه و فضای فیلم مفصل صحبت کردیم و خیلی زود برای بازی در این نقش موافقت کرد. پس از مدتی نیز فیلمبرداری آغاز شد.

آیا هدیه تهرانی در حین فیلمبرداری درباره نقشش پیشنهادهایی ارائه می‌کرد؟

چون فیلم‌نامه به‌خوبی نوشته شده بود، بیشتر براساس همان پیش‌رفتیم. هدیه تهرانی بازیگری توانمند، منظم و حرفه‌ای بود و شناخت خوبی از نقش داشت. همیشه به‌موقع در لوکیشن حاضر می‌شد و آماده جلوی دوربین می‌رفت.

به نظر شما چرا در سال‌های اخیر بسیاری از فیلم‌ها نمی‌توانند مانند دهه‌های گذشته مورد توجه مردم قرار بگیرند؟

بیشتر به ضعف در شیوه و سبک فیلمسازی برمی‌گردد. مخاطب عام سینما شاید با تکنیک، میزانشن و مسائل تخصصی فیلمسازی آشنا نباشد، اما دوست دارد فیلمی جذاب با قصه و ساختاری درست تماشا کند.

مخاطب ایرانی دوست دارد در سالن سینما فیلمی ببیند که او را بخنداند یا تحت تأثیر قرار دهد و به گریه بیندازد. همچنین علاقه دارد فیلم‌هایی ببیند که مشکلات و دغدغه‌های زندگی‌اش را بازتاب دهند. اگر مسائل و مشکلات جامعه به شکلی سینمایی، حساب‌شده و در بطن داستان، چه در قالب کمدی و چه درام، مطرح شوند، مخاطب دوباره به سالن‌های سینما بازخواهد گشت.

آیا علاقه نداشتید فیلمی کمدی و پرمخاطب بسازید؟ نه، خودم را کمدی‌ساز نمی‌دانم. البته ساخت فیلمی با رگه‌هایی از طنز موقعیت در بستر مسائل اجتماعی برایم جذاب است و از تجربه چنین فضایی استقبال می‌کنم.

این روزها با کدام‌یک از هم‌دوره‌ای‌ها و همکاران قدیمی‌تان معاشرت دارید؟

به دلیل شرایط این روزها و وضعیت جامعه، رفت و آمدها مانند گذشته امکان‌پذیر نیست. البته با حسین فرحبخش، عبدالله علیخانی و کامران قدکچیان همچنان در تماس و ارتباط هستم. از حال یکدیگر باخبر می‌شویم و گاهی خاطرات خوب گذشته را مرور می‌کنیم.

این روزها معمولاً چه کارهایی انجام می‌دهید؟ بیشتر وقتم را به مطالعه و خواندن کتاب می‌گذرانم. اگر حوصله و شرایط فراهم باشد، همراه با دوستانی که اشاره کردم، هر دو هفته یکبار در دفتر عبدالله علیخانی هدیه‌یگر را می‌بینیم و با هم گفت‌وگو می‌کنیم.

آیا علاقه ندارید دوباره با عبدالله علیخانی همکاری کنید؟

دوست دارم چنین اتفاقی رخ بدهد، اما عبدالله علیخانی مانند گذشته فعال نیست که امکان همکاری دوباره فراهم شود. رفاقت ما عمیق است و فقط به رابطه کاری محدود نمی‌شود؛ سال‌هاست علاوه بر همکاری، دوستی و ارتباط صمیمانه‌ای با هم داریم.

